

مزیت‌ها و مشکلات

اشاره:

در شماره گذشته، ضرورت‌های استقرار صنعت در روستا به شرح کشیده شد. در این شماره، مزیت‌های استقرار صنعت در روستا، و همچنین مشکلاتی که در فراروی آن وجود دارد، توضیح داده خواهد شد. با این تأکید که این مزیت‌ها و مشکلات، تمام مسائلی نیستند که می‌توانست در این زمینه آورده شود، بلکه سعی شده است به صورت گزینشی و به زعم ما مهمترین آنها مطرح شود.

۱- مزایای استقرار صنعت در روستا

کوچاندن صنعت به معنای وسیع کلمه به روستاها، تأثیرات دوگانه‌ای از خود برجای خواهد گذاشت. اول، تأثیرات منطقه‌ای (در درون روستاها)، دوم تأثیرات ملی. در ادامه، ابتدا تأثیر منطقه‌ای استقرار صنعت در روستاها توضیح داده خواهد شد.

۱-۱- تأثیرات منطقه‌ای

عمده‌ترین تأثیری که کوچاندن صنعت بر مناطق روستایی خواهد داشت این است که زمینه‌ای برای «رشد و توسعه» این مناطق فراهم خواهد آورد. این تأثیر کلی، پارامترهای متفاوتی را در برخورد گرفت که برخی از مهم‌ترین آنان به شرح زیر است:

الف - کمک به افزایش بهره‌وری عوامل تولید افزایش بهره‌وری عوامل تولید، از جمله معیارهای اساسی در مسئله توسعه است. «زمین» و «نیروی کار» دو عامل عمده تولید در روستاهای کشور است که به علت بالا بودن نسبت کار/زمین

هم اکنون از بهره‌وری نازلی برخوردارند. برای استفاده کارا از عوامل فوق‌الذکر، کاهش این نسبت ضروری است. این کاهش می‌تواند از طریق ثابت نگهداشتن نیروی کار و افزایش زمین صورت پذیرد و یا می‌تواند از طریق کاهش نیروی کار و ثابت نگهداشتن زمین انجام شود. در وضعیت کنونی، با توجه به تنگناهایی که برای افزایش زمین وجود دارد، به نظر می‌رسد کاهش نیروی کار، راه حل امکان‌پذیری است. استقرار صنعت در روستا می‌تواند با جذب و به کارگیری نیروی کار در مشاغل غیرکشاورزی، از نسبت کار/زمین کاسته، در نهایت، موجبات افزایش بهره‌وری توأم «نیروی کار» و «زمین» را در بلندمدت، فراهم آورد.

ب - تحول در نقش روستاها

از جمله معیارهای اساسی دیگر در فرایند توسعه مناطق روستایی این است که آیا این فرایند می‌تواند موجبات تحول در نقش روستاها را به گونه‌ای فراهم آورد که این مناطق واجد توانایی‌هایی شوند تا از حاشیه‌نشینی بدرایند یا خیر؟ روستاها باید بتوانند در متن تحولات و تصمیم‌گیری‌های ملی، در مراحل مختلف و در عرصه‌های گوناگون، مشارکت واقعی داشته باشند. در وضعیت کنونی، عدم توزیع بهینه قدرت اقتصادی (که غالباً موجد قدرت سیاسی می‌شود) بین جوامع شهری و روستایی و تمرکز آن در شهرها، عاملی است که موجبات حاشیه‌نشینی روستاها را فراهم آورده است.

به عنوان مثال، اگر قرار است سهم جوامع شهری و روستایی، از بودجه‌های عمومی و دولتی تعیین شود، روستاها به علت نداشتن پایگاه قدرت در مراکز تصمیم‌گیری مربوطه (حتی اگر تصمیم‌گیرندگان حسن نیت کامل نیز داشته باشند) غالباً سهمی کم‌تر از نیازهایشان دریافت می‌کنند. از

سوی دیگر، در مرحله اجرا مشاهده شده است که حاشیه‌نشینی روستاها، وضعیت وخیم‌تری دارد. نگاهی به نتایج یک بررسی می‌تواند قضاوت ما را در این رابطه دقیق‌تر کند. در این بررسی آمده است: «ما بودجه سال ۱۳۶۲ را تفکیک کردیم تا ببینیم چه سهمی از این بودجه در شهر، چه سهمی در روستاها هزینه شده است. متأسفانه مشاهده کردیم از مجموع پول مملکت - در شرایطی که نیمی از مردم در روستاها هستند - تنها، نزدیک به ۷ تا ۱۰ درصد در روستاها هزینه شده است و مابقی در شهرها.»^۱

کوچاندن صنعت به روستا می‌تواند این مزیت را داشته باشد که در بلندمدت، توزیع قدرت اقتصادی بین جوامع شهری و روستایی، شکل عادلانه‌تری به خود بگیرد. از رهگذر این مسئله می‌توان روستا را از حاشیه‌نشینی بیرون آورد و نقشی پویاتر و فعال‌تر در عرصه ملی به آن بخشید.

ج - افزایش خود اتکایی روستا

قدرت در کاهش دادن وابستگی‌های رو به تزاید و بعضاً مزمن روستا به شهر، از دیگر پارامترهای اساسی برای سنجش درجه موفقیت طرح‌های توسعه روستایی به حساب می‌آید. در وضعیت کنونی، استقلال و خودبستگی روستاها جهت اداره زندگی اقتصادی خویش، روز به روز تحلیل می‌رود و انتظار می‌رود که با روند کنونی، سرعت آن افزایش یابد. دلیل این امر را باید در گسترده شدن جامعه شهری و پیوند آن با اقتصاد جهانی دانست که الگوی کنونی مصرف بر آن اساس، شکل گرفته است. از نمونه‌های بارز الگوی مصرف جامعه شهری در حال حاضر، تنوع در مصرف انواع کالا است. بی شک، اثرات نمایشی این الگو، دیر یا زود به تمامی بینه جامعه روستایی کشیده خواهد شد. از سوی دیگر، ناتوانی

● **استقرار صنعت در روستا می‌تواند با جذب و به کارگیری نیروی کار مازاد در روستاها در مشاغل غیر کشاورزی از نسبت کار/زمین کاسته، در نهایت، موجبات افزایش بهره‌وری توأم «نیروی کار» و «زمین» را در بلندمدت فراهم آورد.**

کشاورزی، مخصوصاً صنایع مستقر در روستاها، کسب کرده‌اند.^۳

و - استفاده بیشتر از خدمات رفاهی یکی دیگر از شاخص‌های رشد و توسعه، میزان استفاده از امکاناتی نظیر برق، آب سالم آشامیدنی، راه، وسایل ارتباطی و وجود مراکز آموزشی، بهداشتی و تفریحی است.

شکی نیست که در مقایسه، استفاده از عوامل فوق‌الذکر در مناطق روستایی نسبت به جوامع شهری شده، اختلاف فراوانی به نفع شهرها وجود دارد. ورود صنعت به روستا این مزیت را دارد که می‌تواند پیش درآمدی برای سوق دادن این گونه امکانات به مناطق روستایی باشد. با این توجه که امکانات مذکور اگر با ورود فعالیت‌های صنعتی به روستا قرین باشند، به گونه‌ای موثر و کارا، مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

ز - شکوفا کردن استعدادها و خلاقیت‌های روستاییان

همگام با تاثیرات اقتصادی - که ورود صنعت به روستا می‌تواند داشته باشد و در سطور بالا مورد تذکر واقع شدند - صنایع روستایی می‌توانند دارای يك نقش موثر اجتماعی نیز باشند. بهبود بنیادهای منابع انسانی در مناطق روستایی از طریق به کارگیری آنان در فعالیت‌های نوین صنعتی، پیش زمینه‌ای برای بروز خلاقیت‌های هدایتگرانه در روستاییان ایجاد خواهد کرد. این مسئله به نوبه خود می‌تواند موجبات ارتقاء دانش فنی کل کشور را در آینده فراهم آورد.

۲-۱- تاثیرات ملی استقرار صنعت در روستا

باردیگر و قبل از بررسی تاثیرات ورود صنعت به روستا یاد آور می‌شویم، آنچه که در سطور بعدی بدانها اشاره می‌شود، و همچنین نکات پیش گفته شده در مورد تاثیرات منطقه‌ای، هنگامی امکان بروز یافته، به عینیت در می‌آیند که طرح استقرار صنعت در روستا با دیدی همه جانبه، پیگیرانه، با سازماندهی قوی و برخوردار از مدیریتی واجد شرایط همراه شود. در ادامه برخی از مهم‌ترین تاثیرات ملی ورود صنعت به روستا را از نظر می‌گذرانیم:

۱۹۸۰ و ۱۹۸۶، شمار این گونه بنگاه‌ها، ۲۱۲ برابر شده است. و از تقریباً ۵۶۰۰۰ به بیش از ۱۲ میلیون افزایش یافته است. همچنین، این صنایع توانسته‌اند در ۱۹۸۵ بیش از ۱۲ میلیون کارگر جدید جذب خود کنند. این صنایع، در ۵ سال گذشته، بیش از نیمی از افزایش درآمد جمعیت روستایی را به خود اختصاص داده‌اند.^۲

ه - ایجاد تنوع در اقتصاد روستا

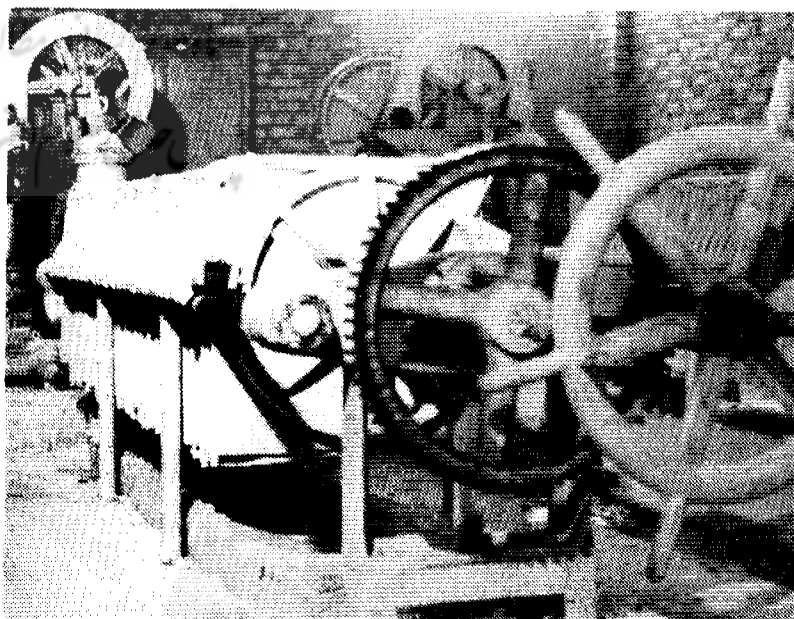
فقدان فعالیت‌های صنعتی و راکد بودن فعالیت‌های خدماتی برخاسته از درون روستا و اتکاء بسیار بالا به کشاورزی، جهت کسب درآمد، از مشخصه‌های اصلی اقتصاد روستایی کشور است.

فعال کردن بخش صنعت در روستا (که به طور طبیعی موجبات فعال کردن بخش خدمات نیز خواهد شد) می‌تواند این سنت کهنه شده را در هم شکند و اقتصاد روستایی را واجد قابلیت‌های تازه‌ای کند. هم اکنون اکثر کشورهایی که به نوعی درصد توسعه روستایی کشور خود هستند، متنوع کردن اقتصاد روستایی خود را جهت افزایش طرق کسب درآمد، یکی از اولویت‌ها می‌دانند. به عنوان مثال، در یوگسلاوی، روستاییان ۳۵ درصد از کل در آمد خود را از راه اشتغال به بخش‌های غیر

روستاها در تولید کالاها و خدمات، سرعت و درجه وابستگی آنها را به شهر افزون تر خواهد کرد. جدا از این مسئله در وضعیت کنونی، روستا در بر آوردن خیلی از نیازهای اساسی خویش یکسره به شهر وابسته است. اگر قرار است راهی در روستایی ساخته شود، بی شک پیمانکار آن از شهر می‌آید. اگر قرار است دبیرستانی دایر شود، کادر تخصصی آن باید از شهر تأمین گردد. اگر قرار است درمانگاهی احداث شود، کادر تخصصی آن را باید شهر تدارک ببیند و... به نظر می‌رسد کوچاندن صنعت به روستا، این مزیت را دارد که از سرعت افزایش وابستگی روستا (در تأمین نیازهای خویش) به شهر بکاهد و در نهایت، موجبات افزایش خود اتکایی را در روستاها فراهم آورد.

د - اشتغال زایی و افزایش در آمد

سرعت زیاد افزایش جمعیت و کندی روند افزایش منابع تولید در روستاها، باعث شده است تا بیکاری بنهان و بیکاری آشکار، همیشه در روستاها وجود داشته باشد. هم اکنون در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته، ایجاد اشتغال مفید برای نیروی مازاد موجود در روستا، بیشترین دلمشغولی مسئولین است. به نظر می‌رسد کوچاندن صنعت به روستا، احیاء و بازسازی صنایع روستایی موجود؛ با توجه به ماهیت کار بری آنان، طرحی مفید و کارا باشد. عملکرد کشور چین در این زمینه، گواه این مدعاست و خالی از فایده نیست که نگاهی به تاریخ تجر به چین داشته باشیم: «آهنگ گسترش صنایع روستایی در چین، واقعاً قابل توجه است. در فاصله سال‌های بین



۱-۲-۱- جلوگیری از مهاجرت بی رویه و کنترل شده

در بخش ضرورت‌ها یاد آور شدیم که مهاجرت بی رویه و کنترل نشده روستاییان به شهرها، با توجه به فقدان توانایی جذب و به کارگیری به هنگام آنان در مشاغل مفید، می‌تواند پیامدهای ناگواری بر زندگی اقتصادی و اجتماعی ملی در بر داشته باشد. اکنون بار دیگر مجدداً متذکر می‌شویم که استقرار صنعت در روستا می‌تواند از جنبه‌های گوناگون و از جمله مهم‌ترین آنها، یعنی ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال و افزایش راه‌های کسب درآمد، پاسخگوی مناسبی جهت به نظم در آوردن مهاجرت روستاییان به شهرها باشد. جلوگیری از مهاجرت بی رویه، خود متضمن فواید ضمنی نظیر پابرجا ماندن نقاط روستایی، همچنین پخشایش بهینه جمعیت و استفاده از تمامی پهنه کشور را در بر دارد.

۱-۲-۲- کمک به دگرگون ساختن بنیان اشتغال کشور

نگاهی به ساختار کنونی اشتغال در ایران، مؤید نارسایی‌ها و بی تناسبی‌های زیادی در آن است. وجود ۱۵/۹ درصد نیروی کار بیکار، سقوط شدید بهره‌وری سرانه کارکنان کشور، کاهش شدید اشتغال فعالیت‌های صنعتی جامعه روستایی، توزیع نامتعادل ساغلان در رشته‌های فنی و تخصصی و علمی بین جوامع شهری و روستایی، تمرکز بیش از حد نیروی کار در بخش

خدمات و... جلوه‌هایی از بی‌فوارگی و کاستی‌های ساختار اشتغال کشور است.

به نظر می‌رسد استقرار صنعت در روستا می‌تواند بخشی از نارسایی‌ها و بی‌تناسبی‌ها را از میان بردارد. در ادامه برخی از نکات مربوط را از سرانباره یادآور می‌شویم:

- قیمت پایین تر برخی از عوامل ثابت تولید مانند زمین (و به نسبت کم‌تری، ماشین‌آلات مورد نیاز صنایع روستایی) و همچنین برخی از عوامل متغیر تولید مانند دستمزد، مزیت‌هایی هستند که ایجاد مراکز صنعتی در روستا را با سرمایه کم‌تری نسبت به شهرها، سهل‌تر می‌کند. خالی از فایده نیست گزارشی را در زمینه هزینه تأمین شغل در مراکز صنعتی مستقر در شهرها از نظر بگذرانیم: «طبق گزارش وزارت صنایع برای ایجاد یک شغل صنعتی در شهرها بین ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تومان (به صورت مستقیم و به قیمت سال‌های ۶۰ تا ۶۳) لازم است که در حدود ۴۰ درصد آن را باید اعتبارات ارزی تشکیل بدهند.»

وجود چنین رقمی برای ایجاد یک شغل در شهرها و قلت منابع سرمایه‌گذاری باعث شده است که ظرفیت ایجاد مراکز صنعتی در شهرها از رشد بسیار کمی برخوردار باشد. ورود صنعت به روستا - با توجه به مسائل پیش گفته شده - و گسترش کمی آن در بلندمدت، می‌تواند بخشی از جویندگان کار را جذب مراکز صنعتی و همچنین مشاغل خدماتی در ارتباط با آن کرده، از درصد بیکاران در سطح ملی بکاهد.

- نکته مهم دیگر این است که ادامه روند گذشته در ساختار اشتغال کشور، به سقوط بیش از بیش بهره‌وری نیروی کار خواهد انجامید. استقرار صنعت در روستا، که مسلماً با افزایش فیزیکی تولیدات همراه خواهد بود، می‌تواند این روند را کند کرده، در جهت بهبود بهره‌وری اشتغال در سطح ملی مؤثر باشد.

- از سوی دیگر، کوچاندن صنعت به روستا، اگر با سوددهی عوامل تولید (از جمله عامل کار) قرین باشد، می‌تواند از انباشتگی بیش از نیاز نیروی کار در بخش خدمات (که مدام در حال جاق شدن است) بکاهد.

- و سرانجام باید گفت ورود صنعت به روستا و گسترش کمی و کیفی آن در بلندمدت، می‌تواند موجبات پخشایش بهینه تخصص‌ها بین جوامع شهری و روستایی را تدارک ببیند.

۱-۲-۳- جلوگیری نسبی از تورم

تورم موجود در ایران را می‌توان در یک جمله به «ساختار ناسالم اقتصادی» نسبت داد. در ادامه، برخی از نکاتی را که در ارتباط با استقرار صنعت در روستا، و اینکه انجام این عمل می‌تواند از فشار تورم تا حدی بکاهد، می‌آوریم.

- متوقف شدن رشد تولید ملی در سال‌های اخیر، از دلایل اصلی تورم موجود در کشور است. با استقرار صنعت در روستا انتظار می‌رود بر حجم تولیدات ملی افزوده شده، از فاصله کنونی که عرضه و تقاضای کل دارند تا حدی کاسته شود و در نهایت، از سرعت رشد بی‌مهابای تورم کم‌کند.

- نکته مهم دیگر این است که تولید کنونی از نظر جغرافیایی، از پخشایش مطلوبی در پهنه سرزمینی برخوردار نیست. شهرها و نواحی اطراف آن، تولیدکننده عمده کالاهای غیرکشاورزی و عمدتاً ضروری هستند، در صورتی که نیمی از جمعیت مصرف‌کننده در روستاها ساکنند. فاصله دور بین محل تولید و محل مصرف کالاها، و وجود سیستم ضعیف توزیع و سیستم نارسای حمل و نقل، موجبات افزایش قیمت خیلی از کالاها را فراهم آورده است.

استقرار صنعت در روستا، این مزیت را خواهد داشت که می‌تواند بسیاری از کالاهای مورد نیاز روستاییان را در محل مصرف، تولید و با قیمت تمام شده کم‌تری عرضه کند. انجام این کار در نهایت می‌تواند به کاهش عمومی سطح قیمت‌ها (تا حدی) منجر شود.

- بهم تنیده شدن اقتصاد ملی کشور با بازار جهانی، و به خصوص تأثیرپذیری عمیق از نوسانات بول‌های معتبر جهانی و کمبود منابع تحصیل‌کننده ارز، از علل دیگر تورم موجود در کشور است.



از سوی دیگر، برخی از صنایع روستایی وجود دارند که در صورت رسیدگی مؤثر به آنها و رفع موانع موجود بر سر راه گسترش آنها، می‌توانند منبع قابل توجهی در بدست آوردن ارز باشند. افزایش ارز آوری این قبیل از صنایع روستایی و گسترش دادن کمی و کیفی آنها، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر تأثیرات روانی که بر جای خواهد گذاشت، می‌تواند از روند کنونی تورم در آینده، جلوگیری به عمل آورد.

۲- مشکلات فرازوی صنعتی کردن روستا
تجربیات موجود در استقرار صنعت در روستا حاکی از آن است که اکثر کشورهای مجری این طرح، در عمل کم‌تر با موفقیت روبه‌رو شده‌اند. دلایل ایجاد کننده چنین وضعیتی، گرچه ممکن است از یک کشور به کشور دیگر تفاوت‌هایی داشته باشد، لکن عمده آنها مسائلی هستند که سعی شده است در طی بحث آینده، توضیح داده شود.

۲-۱- زیر ساخت‌های ناکافی اقتصادی

وجود زیر ساخت‌های اقتصادی به اندازه کافی و سازمان یافته، از عوامل مهمی است که می‌تواند استقرار صنعت در روستاها را به گونه‌ای عمیق، تحت تأثیر قرار دهد. اما در شرایط کنونی، نبود این زیر ساختها، تا حد زیادی از تسریع و گسترش استقرار صنعت در روستاها کاسته است. در ادامه، برخی از مهم‌ترین زیر ساخت‌های اقتصادی را در ارتباط با موضوع، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

○ حمل و نقل

در معنای وسیع خود، به جا به جایی انسان و کالا از نقطه‌ای به نقطه دیگر اطلاق می‌شود و از طریق راه‌های زمینی، آبی، هوایی (راه، راه آهن، بندر، فرودگاه) و به کمک وسائط مربوطه (انواع خودرو، کشتی، هواپیما) صورت می‌گیرد، از جمله عوامل فیزیکی عمده توسعه اقتصادی است.

اگر از راه‌های آبی و هوایی و وسائط مربوط به آنان، که نقشی ناچیز در روستاها (به شکل کنونی) دارند، چشم پوشی کرده، توجه خود را به حمل و نقل جاده‌ای معطوف کنیم، شاهد فاصله‌ای ژرف در مقایسه با امکانات موجود و نیازهای واقعی هستیم، زیرا «بنابه بر آوردی که شده است، در ایران حدود ۷۰ هزار کیلومتر راه روستایی احداث شده است از این رو، باید حدود ۳۰۰ هزار کیلومتر راه روستایی ساخته شود تا تمامی روستاها حداقل دارای راه دسترسی باشند».

وجود این نارسایی، آنهم فقط در وجود یک عامل یعنی «جاده»، مسلماً از تحرک لازم برای ایجاد و گسترش صنایع در روستاها خواهد کاست.

● کوچاندن صنعت به روستا، می‌تواند این مزیت را داشته باشد که در بلندمدت، توزیع قدرت اقتصادی بین جوامع شهری و روستایی، شکل عادلانه‌تری به خود بگیرد تا از رهگذر این مسئله، روستا از حاشیه نشینی بیرون آمده، نقشی بویاتر در عرصه ملی ایفا کند.

● ورود صنعت به روستا و گسترش کمی و کیفی آن در بلندمدت می‌تواند موجبات پخشایش بهینه تخصص بین جوامع شهری و روستایی را تدارک دیده، از انباشتگی بیش از نیاز نیروی کار در بخش خدمات بکاهد.

گذاری، یکی از عناصر اصلی برای رسیدن به توسعه اقتصادی به شمار می‌رود.

بدون اینکه قصد وارد شدن در مباحث پیچیده اقتصاد توسعه را داشته باشیم، یادآور می‌شویم که «سرمایه» در یک اقتصاد پیشرفته، همان «پس انداز» است که بعد از کسر «مصرف» از «درآمد» حاصل می‌شود. بنابر این، می‌توان یک رابطه زنجیره‌ای بین سرمایه‌گذاری و درآمد تصور کرد، بدین معنی که با افزایش درآمد (در صورت ثابت بودن مصرف) انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاری (همان پس انداز) افزایش یابد. با این مقدمه، باید اقرار کرد که توانایی تشکیل سرمایه در نزد روستاییان، با توجه به قلت درآمد آنان، ناچیز است. نگاهی به آمار موجود این مطلب را به خوبی برای ما آشکار می‌سازد، زیرا با توجه به اینکه شاغلان بخش کشاورزی در سال ۱۳۶۵، ۲۹ درصد از کل شاغلان کشور را تشکیل داده‌اند، سهم بخش کشاورزی در ارزش افزوده محصول ناخالص داخلی تنها ۱۷ درصد بوده است. مقایسه این دو رقم معلوم می‌کند که درآمد سرانه روستاییان (کشاورز) بسیار پایین است و همین امر، از موانع مهم عدم تشکیل پس انداز در خانوارهای روستایی است.

از سوی دیگر، نگاهی به چگونگی تخصیص اعتبارات و سرمایه‌گذاری در سطح کشور و بین بخش‌های مختلف اقتصادی که از طریق بودجه عمومی دولت، درآمد اختصاصی مؤسسات دولتی، نظام بانکی و بخش خصوصی انجام پذیرفته، نشان دهنده این واقعیت است که در جهت سوق دادن اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌ها به سمت روستاها - که می‌توانست در ایجاد پس انداز نقشی داشته باشد، اقدامی اساسی انجام نشده است. جدول شماره ۱ که مطالبات بانک‌ها از بخش دولتی را نشان می‌دهد، به خوبی بیانگر مطلب مذکور است.

○ برق

برق، صنعتی زیر بنایی و اساسی است که بسیاری از فعالیت‌های جامعه - بخصوص فعالیت‌های صنعتی - بدان وابسته است، نگاهی به واقعیات موجود، نارسایی‌های فراوانی را که در این قسمت وجود دارد، به رخ می‌کشند، زیرا آمار موجود نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۷، در مجموع روستاهای ایران فقط ۲۲۵۴۰ روستا از برق برخوردارند که این روستاها فقط ۱/۲ کل روستاهای کشور را تشکیل می‌دهند. باید در همین جا اضافه کرد که مقدار برق ایجاد شده در روستاها، عمدتاً به منظور مصارف خانگی تولید شده است و اگر قرار باشد صنایع روستایی - به مفهوم وسیع خود - ایجاد شوند، مسلماً نیاز به مقدار برق بیشتری خواهد بود که معلوم نیست نهادهای دست اندر کار از عهده تأمین آن بر آیند.

○ مخابرات

مخابرات که سریع‌ترین وسیله ارتباطی و انتقال اطلاعات است، مورد نیاز بخش‌های مختلف دفاعی، تحقیقاتی، آموزشی و به خصوص صنعتی است. آمار موجود در این راستا، گویای این واقعیت است که در حال حاضر تنها ۳۲۲۰ روستا از مجموع روستاهای کشور دارای ارتباط مخابراتی - آن هم در ضعیف‌ترین شکل ممکن هستند. اختلاف فاحش موجود بین نیازهای واقعی و امکانات موجود در شرایط کنونی، مسلماً در صورت استقرار صنعت در روستا، تشدید خواهد شد و در صورت ادامه روند گذشته، می‌تواند به گونه‌ای محسوس ارانه کار را با مشکلات فراوانی همراه کند.

۲-۲- تشکیل سرمایه و مسایل مالی

کمبود سرمایه به عنوان یک عنصر اساسی سد کننده در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم، همواره مطرح بوده است و سرمایه

همان طور که از جدول شماره ۱ برمی آید، بخش ساختمان و مسکن، به طور تقریب، در دوره مورد نظر همواره ۳ برابر بخش کشاورزی و ام و اعتبار دریافت کرده است. این ترکیب اعطای وام نمی تواند به تشکیل سرمایه در نزد روستائیان کمک مؤثری بکند.

جدول شماره ۲ نیز که سرمایه گذاری در ماشین آلات و لوازم کسب و کار بر حسب گروه های عمده اقتصادی را نشان می دهد، بیانگر همان نارسایی و بی قوارگی ترکیب سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی است.

از قلم موجود در جدول شماره ۲ نیز بیانگر این مطلب است که نسبت سرمایه گذار در بخش خدمات به بخش کشاورزی در سال های ۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶ به ترتیب (تقریبی) ۱۲/۵، ۱۲/۵، ۱ به ۷، ۱ به ۵، ۱ به ۶ و ۱ به ۱ به نفع بخش خدمات بوده است. بر موارد یادشده اگر مسایلی از قبیل کوتاه بودن مدت بازپرداخت وام ها، طولانی بودن زمان درخواست وام تا وصول آن، برگشت قسمت زیادی از وام ها و اعتبارات سرمایه گذاری ها به سمت شهر و... را بیفزاییم، متوجه و خامت وضعیت در خصوص تشکیل سرمایه از جانب روستائیان، برای پرداختن به امور غیر کشاورزی و تأسیس مراکز صنعتی خواهیم شد. نهایت اینکه، ادامه روند گذشته در این مورد، می تواند صدمه فراوانی به

جدول شماره ۲- سرمایه گذاری در ماشین آلات و لوازم کسب و کار بر حسب گروه های عمده اقتصادی به قیمت ثابت ۱۳۵۳:۱۳۶۶-۱۳۶۲

سرخ	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶
کشاورزی	۱۶/۶	۱۸/۷	۲۵/۷	۱۷	۹
صنایع و معادن	۶۲/۵	۷۱/۳	۲۸/۵	۳۲/۱	۹۱/۲
خدمات	۱۹۶/۵	۲۲۹/۱	۱۹۳/۳	۹۹/۵	۵۷/۶

مأخذ: همان پیشین.

جدول شماره ۳- تعداد دانش آموزان و امکانات آموزشی سطوح مختلف تحصیل وزارت آموزش و پرورش سال تحصیلی ۶۸-۶۷

متوسطه عمومی ۱۳۰/۱۳۶۳/۱
 هنرستان فنی ۱۹۷/۱۹۹
 بازرگانی و حرفه ای ۸۱/۰۹۵
 آموزش کشاورزی ۹/۲۹۵
 مأخذ: سالنامه آماری ۱۳۶۷.

جدول شماره ۱- مطالبات بانک ها از بخش غیر دولتی به تفکیک بخش های اقتصادی ۱۳۶۵-۱۳۶۱ (میلیارد ریال)

نام بخش ها	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
بازرگانی	۵۷۶/۵	۶۱۴/۸	۶۶۶	۹۵۲	۸۹۲
کشاورزی	۳۳۲/۸	۲۷۲/۳	۴۸۶/۱	۶۰۴/۱	۶۵۰/۶
صنعت و معدن	۷۲۰/۵	۸۶۸	۹۲۷/۹	۹۸۱	۱۰۵۰
ساختمان و مسکن	۱۱۸۸/۵	۱۲۵۷/۵	۱۳۵۴/۸	۱۴۷۰/۷	۱۷۳۶/۲
سایر	۶۷۶/۶	۱۰۲۴	۱۰۶۵/۹	۱۰۷۳/۲	۱۲۴۶/۶

مأخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران

جدول ۴- تعداد آموزشگیران بخش آموزش فنی و حرفه ای بر حسب نوع، سطح و برنامه در دوره ۱۳۶۲-۱۳۶۷ (نفر)

سطح	سال	برنامه					رشد سالانه متوسط (درصد)
		۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	
موسسات غیر دولتی*	برسکی و پیرا برسکی	۸۸۲۱	۱۲۴۶۰	۱۳۵۹۲	۱۴۶۶۹	۱۳۹۹۴	۱۳
	خدمات	۲۴۹۵	۱۸۴۴	۱۶۰۴	۱۸۳۸	۲۷۲۱	۴۰
	صنعت	۶۳۳۶	۹۸۸۵	۱۲۹۵۸	۱۸۲۹۰	۱۹۸۵۹	۳۷
	کشاورزی	۲۱۱۹	۲۹۷۶	۲۸۵۳	۲۶۹۰	۳۴۴۶	۱۰/۶
	جمع	۱۹۷۷۱	۲۹۱۶۵	۳۱۰۰۷	۳۷۴۸۷	۴۱۰۰۲	۲۶/۵
موسسات دولتی*	برسکی و پیرا برسکی	۱۷۱۴	۱۹۵۰	۲۲۱۷	۲۵۲۲	۲۸۶۹	۱۴/۴
	خدمات	۵۴۲۱۴	۷۵۵۸۵	۸۴۰۸۷	۸۶۷۲۰	۸۵۵۴۶	۸/۹
	صنعت	۸۸۷۷۲	۹۷۵۶۷	۱۰۴۴۱۳	۱۰۶۸۲۹	۱۰۹۱۶۵	۵/۳
	کشاورزی	۶۷۲۷	۸۷۲۸	۹۹۷۰	۱۰۸۳۵	۱۱۰۵۲	۱۱
	جمع	۱۵۱۲۲۷	۱۸۳۷۳۰	۲۰۰۶۸۷	۲۰۶۹۰۶	۲۰۸۶۳۴	۷
موسسات دولتی*	برسکی و پیرا برسکی	۴۶۱۷	۴۱۵۷	۲۵۳۶	۴۷۵۸	۲۷۶۳	۲
	خدمات	۱۰۸۶۳	۱۷۸۳۵	۱۷۰۷۰	۱۸۲۰۲	۲۱۰۸۳	۱۵
	صنعت	۴۰۷۰۴	۳۷۸۶۲	۲۹۲۸۷	۲۱۲۷۹	۲۳۹۳۱	۸
	کشاورزی	۱۵۲۷۶	۱۴۷۲۹	۱۵۸۱۲	۸۴۲۳	۷۷۸۰	۱۱
	جمع آموزش های غیر رسمی	۷۱۲۶۰	۷۴۵۸۵	۶۶۹۰۵	۵۲۶۶۲	۵۷۵۶۷	۲/۵
آموزشگاه های آزاد**			۳۳۷۹۲	۲۷۲۰۴	۲۸۷۲۴	۳۳۰۲۲	-

* ارقام مربوط به سال ۱۳۶۶-۱۳۶۲ در دسترس نیست.

** ارقام مربوط به سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در دسترس نیست.

طرح استقرار صنعت در روستاها وارد سازد و به موانع سد کننده گسترش این ایده تبدیل خواهد شد.

۳-۲- مدیریت و نیروی انسانی کارآمد

وجود مدیریت قوی و نیروی انسانی کارآمد، از الزامات اولیه موفقیت هر برنامه‌ای است و طرح استقرار صنعت در روستاها نیز از این قاعده مستثنی نیست. متأسفانه باید اعتراف کرد که نبود مدیریتی قوی و نیروی انسانی کارآمد، در مراحل مختلف طرح و اجرای استقرار صنعت در روستاها مشکلات عدیده‌ای بر سر راه گسترش آن بدید آورده است. وجود افرادی که از فن مدیریت بهره لازم را برده، همچنین جامعه روستایی را به خوبی شناخته، به فن تولید صنایع روستایی آگاهی داشته باشند، می‌تواند تضمین کننده موفقیت این طرح باشد.

● آمار موجود نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در بخش خدمات نسبت به بخش کشاورزی در سال‌های ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵ و ۶۶ به ترتیب (به طور تقریبی) ۱۲/۵ به ۱، ۷، ۱ به ۵، ۱ به ۶ و ۱ به نفع بخش خدمات بوده است.

● مبهم بودن سودآوری در صنایع روستایی و نامشخص بودن «نرخ سود» آن موجب شده است تا میل به سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی در حداقل باشد.

دانش‌آموزان دوره متوسطه در رشته‌های مختلف را نشان می‌دهد، بینیم. ارقام مذکور حاکی از آن است که به ازای هر ۱۳۰ نفری که در رشته‌های مختلف مانند ریاضی، فیزیک، علوم اقتصادی، علوم تجربی و فرهنگ و ادب آموزش می‌بینند، فقط ۱ نفر به آموزش کشاورزی مشغول است.

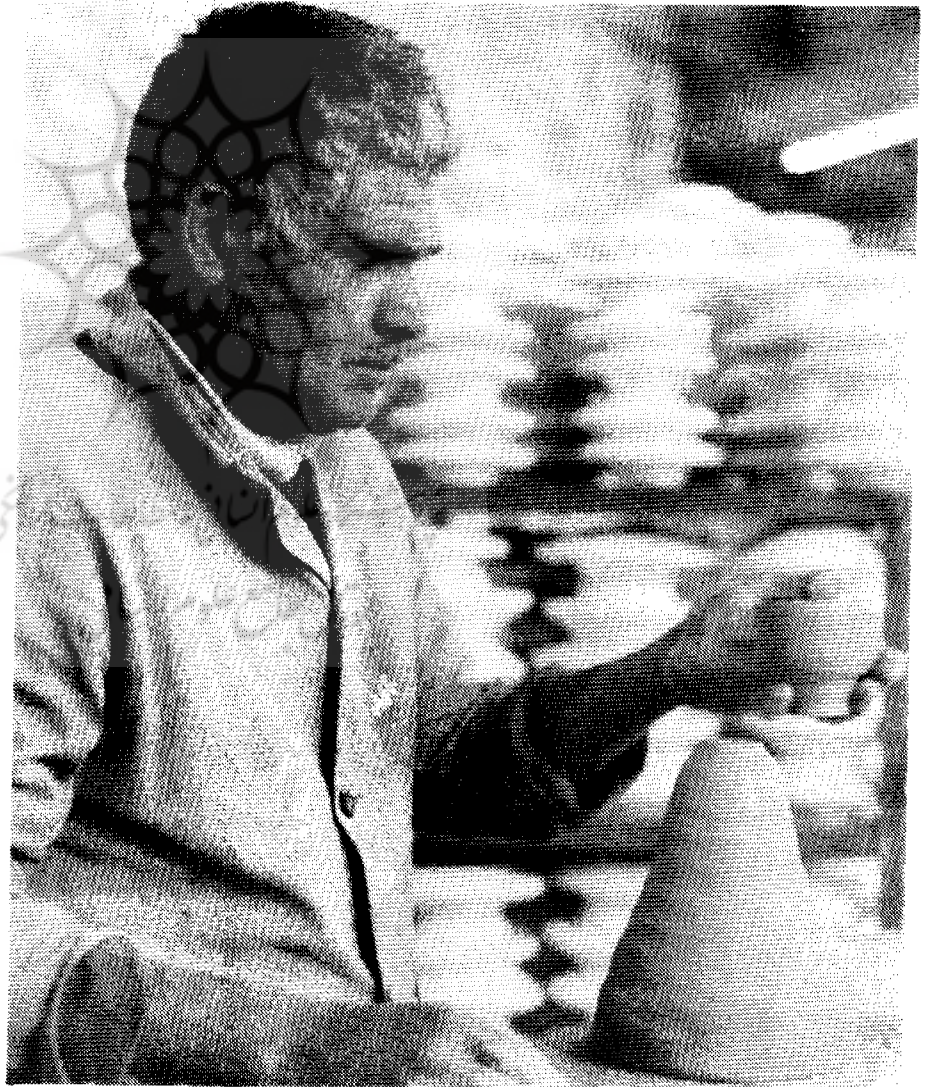
جدول بعدی که نشان دهنده توزیع آموزش گیران بخش فنی و حرفه‌ای در سال‌های مابین ۱۳۶۲-۱۳۶۷ است نیز حاکی از بی‌قوارگی فراوان در توزیع آموزش گیران بین رشته‌های مختلف است.

ارقام موجود در جدول شماره ۴ نشان می‌دهند که تعداد کسانی که در مقطع کاردانی، آموزش (در بخش رسمی) فنی و حرفه‌ای می‌بینند، طی دوره مورد نظر در بخش خدمات، از رشدی معادل ۴۰ درصد برخوردار بوده است، در حالی که میزان این رشد برای صنعت فقط ۱۰/۶ درصد است. دورقم دیگری که شایان اهمیت و توجه هستند، درصد رشد آموزشگیران بخش آموزش فنی و حرفه‌ای در بخش غیر رسمی است که برای آموزشگیران رشته‌های خدماتی این رقم ۱۵ درصد رشد مثبت را نشان می‌دهد، حال آنکه برای آموزشگیران بخش کشاورزی حاکی از ۱۱ درصد رشد منفی است. در ادامه، خالی از فایده نیست که برآمار مربوط به دانشجویان سطوح مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، برحسب رشته‌های عمده تحصیلی، نگاه گذرای داشته باشیم:

در حالی که در دوره کارشناسی، تعداد دانشجویان در رشته‌ای نظیر ادبیات و علوم انسانی و الهیات در سال تحصیلی ۶۷-۶۸ بالغ بر ۱۸/۳۵۲ نفر، و برای رشته علوم اجتماعی و رفتاری ۱۵۲۰ نفر است، برای رشته شیمیا، کشاورزی و جنگلداری ۸۰۵۰ نفر است.

همچنین، در حالی که در دوره کارشناسی ارشد، در رشته‌ای نظیر ادبیات، علوم انسانی و الهیات

متأسفانه نظام آموزشی کشور (چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی) در مراحل مختلف آموزش دهی، فاقد کارآئی‌های لازم در تأمین و تربیت نیروی لازم برای این کار است. ذکر آمار موجود می‌تواند در تبیین دقیق‌تر مسئله به ما یاری رساند. ابتدا جدول شماره ۲ را که توزیع



۱۵۰۲ نفر و در رسته معماری و شهرسازی ۱۷۰۳ نفر در حال تحصیل هستند، این رقم در این دوره آموزشی برای رسته کشاورزی، شیلات و جنگل تنها ۵۳۱ نفر است.

این ارقام در کلیت خود این نکته را یادآوری می‌کنند که برای اداره روستاها (که کشاورزی جزئی از آن است) افراد متخصص که در سطوح مختلف مدیریت بتوانند امر اداره روستاها را به نحو احسن به انجام برسانند، به حد کافی وجود ندارد. حال لازم است مسئله نیروی انسانی کارآمد را از بعد دیگری مورد توجه قرار دهیم. اگر قرار است به جای کوچ دادن روستاییان به مراکز صنعتی خارج از روستا، صنعت را به روستاها کوچ دهیم، لازمه‌اش این است که نیروی انسانی کارآمدی در روستاها برای تأسیس، راه‌اندازی و اداره صنایع در روستاها وجود داشته باشد.

دو پارامتری که می‌توانند به عنوان ملاک سنجش در این زمینه مورد نظر باشند، عبارتند از عامل سن و عامل سواد.

می‌دانیم که سن مساعد برای بهره‌دهی نیروی کار بین ۲۰ الی ۵۰ است. پس لازم است که ببینیم چه تعداد جمعیت در این سن، در روستاها وجود دارند. بنا بر آمار موجود در سال ۱۳۶۵ کل مردان ساکن در روستاها بالغ بر ۱۱/۳۸۴/۸۳ نفر بوده‌اند که از این تعداد ۶/۷۶۲/۶۵۸ نفر زیر ۲۰ سال و ۱/۴۶۳/۷۰۶ نفر بالای ۵۰ سال سن دارند. بنابراین، تعداد افرادی که بین ۲۰ الی ۵۰

سال سن دارند، بالغ بر ۳/۱۵۸/۱۱۹ نفر خواهد شد. اگر از این تعداد، افرادی که صرفاً به کار کشاورزی مشغولند، یا در بخش خدماتی روستایی کار می‌کنند را کنار بگذاریم، موجه خواهیم شد که درصد افرادی که می‌توانند به صورت کارا در طرح‌های صنایع روستایی مشغول به کار شوند، در حد کافی نیست.

برای آموختن یک حرفه صنعتی، حتی در سطوح پایین، نیاز به سواد امری ضروری است. متأسفانه باید گفت روستاهای ما از این نظر نیز در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. زیرا بنا بر آمار موجود در سال ۱۳۶۵، میزان باسوادی در بین افراد ۲۰ الی ۵۰ سال در مناطق روستایی، ۲۷/۹ درصد است که فقر سواد را نشان می‌دهد.

به هر حال، با توجه به آنچه آمد، طرح استقرار صنعت در روستاها در صورت به اجرا آمدن، باید برای مشکل بزرگ غلبه کند تا بتواند مطمئن باشد نتایج حاصله مثبت خواهد بود.

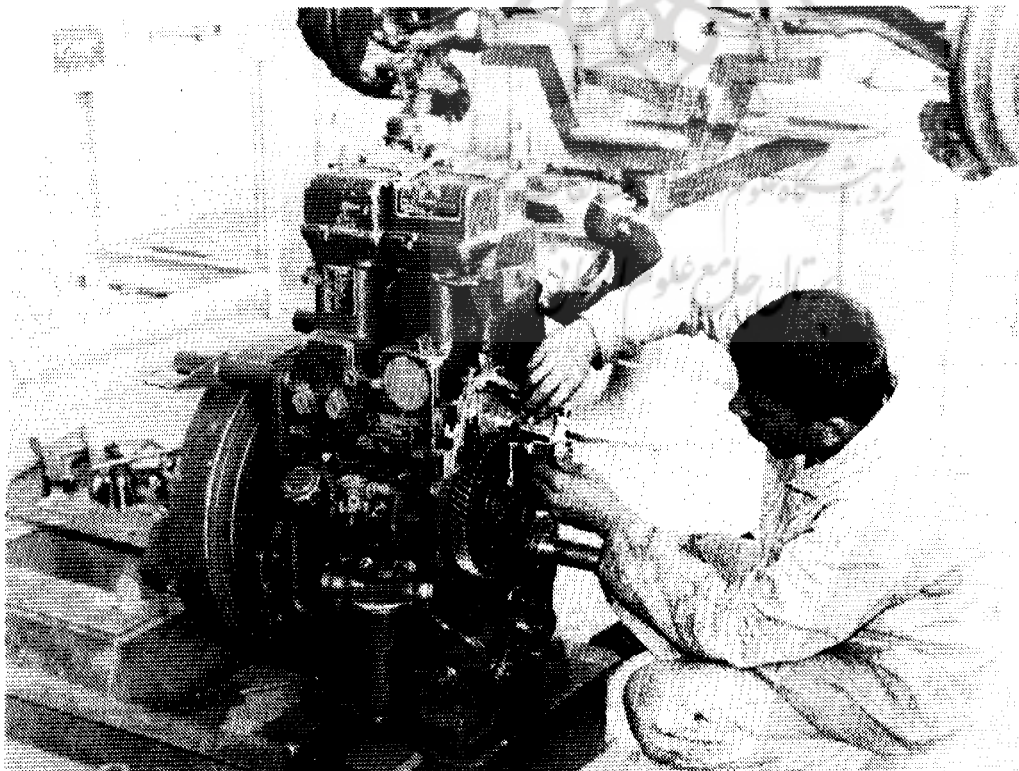
۲-۴ - سود آوری

معلوم است که «کسب سود» بر انگیزاننده اصلی برای هر نوع فعالیت اقتصادی است. همچنین، مقدار «ترخ سود» تعیین کننده نهایی در تخصیص منابع سرمایه گذاری به سوی فعالیت‌های مشخص اقتصادی به حساب می‌آید. در همین راستا، لازم است که برای پانگیری اصولی، تداوم و گسترش صنایع روستایی،

برخوردی مبنی بر واقعیت با مسئله سود آوری صورت پذیرد. در ادامه، دو نکته اساسی و مهم نهفته در بطن مطلب مذکور را به اجمال موشکافی می‌کنیم:

- واقعیت ملموس در اقتصاد ایران مؤید این است که مقدار «ترخ سود» در فعالیت‌های بنیانی اقتصادی کشور (کشاورزی، صنعت و خدمات) دچار عدم تعادل است. هم‌اکنون سود آوری بخش صنعت (به مفهوم عام کلمه) نسبت به بخش خدمات در سطح نازلی قرار دارد. بر همین اساس، صاحبان سرمایه (مخصوصاً در بخش خصوصی) تمایل دارند که بیشتر در بخش خدمات سرمایه گذاری کنند و میل به سرمایه گذاری در بخش صنعت ناچیز است. از سوی دیگر، در وضعیت کنونی مبهم بودن سود آوری در صنایع روستایی و نامشخص بودن مقدار «ترخ سود» آن، موجب شده است تا تنگناهایی بیش‌تر در این مورد وجود داشته، میل به سرمایه گذاری در صنایع روستایی را در حداقل نگه دارد. باید اقرار کرد که تا مشکل مذکور حل نشود، میزان سرمایه‌هایی که می‌توانند به این بخش راه یابند، همچنان در کمترین مقدار باقی خواهد ماند.

- نکته دوم و مهم دیگر در این رابطه، مقایسه میزان سود آوری در فعالیت‌های صنعتی روستایی با فعالیت‌های کشاورزی (به خصوص کشاورزی سنتی) است. بدین معنی که اگر نسبت «ترخ سود» در فعالیت صنعتی روستایی به فعالیت‌های



کشاورزی در حد بالایی قرار بگیرد، بیم آن می‌رود که راوروی روستاییان به این نوع فعالیت‌ها، در نهایت موجبات رکود (و در نتیجه کاهش محصولات کشاورزی) فعالیت‌های کشاورزی را پدید آورد. این نکته‌ای است که بارها از سوی مخالفان استقرار صنعت در روستا مورد تأکید قرار گرفته است.

۲-۵- تأمین مواد اولیه

اگر قرار است صنایع روستایی گسترش کمی و کیفی پیدا کرده، به صورت «مجموعه‌ای» به روستاها کوچانده شوند، آن‌گاه مشکل تأمین مواد اولیه مورد نیاز این صنایع، مسئله‌ای است که باید مورد توجه اکید واقع شود. یادآوری این نکته که در وضعیت کنونی صنایع موجود کشور برای تأمین مواد خام مورد نیاز خود با تنگناهای اساسی روبه‌رو هستند، شاید بتواند در فهم دقیق پیچیدگی و عمق مسئله کمکی باشد بی‌شک، بدون حل این مشکل عینی، نباید انتظار داشت وضعیت نه چندان مناسب صنایع روستایی به حالتی بویا و قابل دوام تحول یابد.

۲-۶- بازاریابی

با فرض این که مشکلات صنایع روستایی مرحله تولید کالا حل شده است، مرحله بعد از تولید نیز مشکلات خاص خود را دارند که از جمله می‌توان به امر بازاریابی اشاره کرد. در ادامه، برخی از نکات را در این زمینه یادآور می‌شویم با این تذکر که عدم حل این مشکلات، می‌تواند سدی برای گسترش امر صنعت در روستا باشد:

- قیمت و مرغوبیت دو عنصر تعیین‌کننده برای راه یابی توأم با موفقیت يك کالا در بازار هستند. صنایع روستایی، اولاً به خاطر کوچک بودن مقیاس تولید، از نظر قیمتی، قدرت رقابت با کالاهای مشابه (تولید کارخانجات بزرگ و کالاهای وارداتی) را ندارند. ثانیاً به علت فقدان کنترل کیفیت و نازل بودن سطح تکنولوژی به کار رفته، توان رقابت در این زمینه نیز از آنها سلب شده است. نهایت این که صنایع روستایی در بازار یابی برای فروش محصولات خود، با مشکلاتی روبه‌رو هستند که باید به گونه‌ای اقتصادی حل شود.

- از سوی دیگر، فقدان توانایی‌های مالی در نزد صاحبان این گونه صنایع، موجب می‌شود تا آنان توان نگهداری کالاهای خود را برای عرضه به هنگام نداشته باشند. این مسئله باعث می‌شود که صاحبان صنایع روستایی تولیدات خود را در اسرع وقت و با هر قیمت موجود در بازار، به فروش برسانند.

نکات گفته شده برخی از مشکلات بازاریابی

● صنایع روستایی اولاً به خاطر کوچک بودن مقیاس تولید، ثانیاً به علت فقدان کنترل کیفیت و نازل بودن سطح تکنولوژی به کار رفته در این صنایع، قدرت رقابتی با کالاهای مشابه را ندارند.

● نهاد اجرایی که متولی کوچاندن صنعت به روستا است، باید بتواند ارزیابی دقیقی از ساختار صنعتی کشور و تحولات آتی آن و همچنین ارزیابی علمی و منطبق با واقعیت از امکانات و سیاست‌های اقتصادی کشور داشته باشد، تا از این رهگذر، امکان عملی برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری صنایع روستایی را فراهم آورد.

برای محصولات صنایع روستایی را روشن می‌کند که باید مورد توجه واقع شوند تا خرج صنایع روستایی روان‌تر بگذرد.

۲-۷- مشکل نهاد اجرایی

فقدان يك استراتژی مناسب و از پیش طراحی شده و مطابق با منافع ملی در گذشته، بخش صنعت کشور را دارای ویژگی‌های خاصی کرده است. از جمله می‌توان به «نارسایی» و «بی‌تناسبی» بنیان صنعتی کشور اشاره کرد. ویژگی‌های یاد شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جزء خصایص اصلی بخش صنعت به شمار می‌آیند. از بی‌تناسبی‌های یاد شده، یکی عدم بخشایش صنعت و فعالیت‌های مربوط به آن در یهنة کشور است، به گونه‌ای که حجم بزرگی از کارخانجات صنعتی بر گرداگرد شهرهای بزرگ احداث شده، و با به درون و یا جوار مرزهای روستاها نگذاشته‌اند. همین مسئله است که بی‌نوسدادن صنعت با روستا را کاری دشوار می‌سازد. زیرا از يك سو، تحولات صنعتی در دو دهه اخیر شتابان و همراه با پیشرفت‌های فراوانی بوده است و از سوی دیگر، در ساختار روستاها (از هر حیث) تغییرات لازم جهت انطباق با فعالیت‌های صنعتی ایجاد نشده است.

به همین لحاظ، وجود يك سازمان کارآمد برای پر کردن خلاء مذکور برای مساعد کردن زمینه‌های ورود به صنعت، ضروری به نظر می‌رسد. سازمان یا نهاد اجرایی که متولی کوچاندن صنعت به روستا است، باید بتواند ارزیابی دقیقی از ساختار صنعتی کشور و تحولات آتی آن، ارزیابی درست از موقعیت روستاها، ارزیابی علمی و منطبق با واقعیت، از امکانات و سیاست‌های اقتصادی کشور داشته باشد، تا از این رهگذر، امکان عملی برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری صنایع روستایی را به گونه‌ای فراهم آورد که با بخش صنعت کشور

و با اقتصاد ملی پیوندی اصولی، منسجم و هماهنگ ایجاد شود. همچنین، این سازمان باید از قدرت اجرایی و استقلال عمل کافی (که ضمانت اجرایی آن توسط بالاترین مراجع ذیصلاح قانونی آن به تأیید رسیده باشد) در حد بالایی برخوردار باشد. فقدان این ویژگی‌های اخیر الذکر، باعث خواهد شد تا این سازمان نتواند منابع مالی، فنی و اقتصادی لازم را برای استقرار صنعت در روستاها فراهم آورد. همچنین نبود ویژگی‌های یاد شده، باعث خواهد شد تا نتوان تعهدات دیگر سازمان‌های ذیربط را به هنگام، از قول به فعل در آورد. به نظر می‌رسد در حال حاضر، سازمانی با تمام ویژگی‌های برشمرده وجود ندارد و یکی از مشکلات اصلی صنعتی کردن روستا نیز همین مسئله است.

انچه در سطور بالا آمد، البته تمام مشکلات فراروی صنعتی کردن روستا نیست. باید به آنها مسائلی مانند چگونگی مالکیت بنگاه‌ها، مسئله تکنولوژی که در این صنایع به کار گرفته خواهند شد، مسائل اجتماعی که با ورود صنعت ممکن است در بنیان‌های روستایی کشور ایجاد شود و... را اضافه کرد. سعی شده است بعضی از این مسائل در قسمت بعدی مطلب که بررسی «وضعیت موجود صنایع روستایی» است، مورد اشاره واقع شوند.

■ زیر نویس‌ها

- ۱- کتاب استقرار صنعت در روستا، انتشارات جهادسازندگی، به نقل از سخنان مرتضی شریف‌النسی.
- ۲- گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۶۵، مقاله صنایع روستایی موتور جدید توسعه جینی.
- ۳- یوگسلاوی، از سری کتاب‌های آشنایی با کشورهای جهان، انتشارات مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت بازرگانی.
- ۴- مأخذ شماره ۱.
- ۵- آمارهای موجود از «سالنامه آماری» سال‌های ۶۵ و ۶۷ از انتشارات مرکز آمار برداشته شده است.